

عبدالرسول وصال از وضعیت «ایران»

در دوران اصلاحات می‌گوید

چه کسی دستور رفع توقیف «ایران» را داد؟

عکس: رضامعطران/ایران

انتصاب پرحاشیه

عبدالرسول وصال هنوز هم مثل سال‌های مدیریت زمان‌شناس است. جلوتر از زمانی که برای بازدید و مصاحبه تعیین شده بود در روزنامه ایران حاضر شد. می‌گوید: «سال‌هایی که مدیر بودم همیشه اولین نفر وارد مؤسسه می‌شدم. یعنی قبل از اینکه خبرنگارها به روزنامه بیایند، من در اتاقم نشسته بودم و همیشه هم جزو آخرین نفراتی بودم که از مؤسسه خارج می‌شدم.»

وی با تأکید بر اینکه هنوز هم کار را دوست دارد، گفت: «علاقه زیادی به ثروت‌آفرینی دارم ولی هیچ‌گاه ثروت‌اندوزی را دوست نداشتم و ندارم. این توکل و قدرت ریسک داشتن ودیعه الهی و یک امر ذاتی است. از همان نوجوانی وقتی ۱۶ سال داشتم در محافل بزرگ سخنرانی می‌کردم و در مساجد پشت میکروفن می‌رفتم و برای مردم صحبت می‌کردم. در یک خانواده متوسط و ریشه‌دار به دنیا آمدم و رشد کردم. گردش روزگار انسان را می‌سازد به طوری که انسان با دوران کودکی‌اش متفاوت می‌شود.»

وصال از روزهایی می‌گوید که به عنوان مدیرعامل مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران و مدیرمسئول روزنامه ایران منصوب شد و این انتصاب با حاشیه‌های زیادی هم همراه بود: «ورود من در سال ۱۳۸۰ به مؤسسه با مشکلاتی مواجه شد. آن قدری که دکتر مسجد جامعی وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی علاقه داشت من به این مؤسسه بیایم، اما بقیه مسئولان احتیاط می‌کردند و می‌گفتند محیط روزنامه ایران مناسب نیست و ایشان نمی‌تواند موفق شود. آخرین تصمیمی که اتخاذ شد این که عضو هیأت مدیره شوم و این موضوع را رئیس دفتر آقای خاتمی مطرح کردند. یکی از روزها دکتر مسجد جامعی حکم مرا با عجله نوشتند و به من ابلاغ کردند چون ممکن بود اتفاق‌های دیگری رقم بخورد. در واقع من از کشفیات آقای دکتر مسجد جامعی بودم. با ایشان زمانی که مدیریت فرهنگسرای اندیشه را برعهده داشتم و از پدیدآوردگان فرهنگی دعوت می‌کردم، آشنا شدم و ایشان فعالیت‌های فرهنگی مرا از نزدیک دیده بودند و به من اعتقاد داشتند. بعد از گرفتن حکم، خدمت آقای وردی‌نژاد آمدم و ایشان حکم مرا گرفت و در کشوی

یوسف حیدری

روایت روزنامه ایران در دوران اصلاحات حکایت کسانی است که در کنار هم تلاش کردند تا نام روزنامه ایران در میان رسانه‌ها پرآوازه شود. روزهایی که روزنامه ایران در بالاترین تیراژ چاپی قرار داشت و همه مؤسسه در کنار تحریریه تلاش کردند تا «ایران» برای ایران باشد. شعاری که با وجود برچسب دولتی بودن به این روزنامه، اما پلی شد بین مردم و دولت. سال‌های بین ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ در ذهن مردم، خبرنگاران و کارکنان قدیمی روزنامه ایران، روزهایی طلایی بود؛ روزهایی که علاوه بر رشد تیراژ و چاپ گزارش‌های اجتماعی، وضعیت اقتصادی مؤسسه نیز بهبود پیدا کرد. روزهایی که با شعار تحریریه محوری گام‌های مهمی در این راه برداشته شد و خبرنگاران و تحریریه در محور همه تحولات مؤسسه قرار داشتند. مدیریت مؤسسه نقش بسیار پررنگی در این زمینه داشت به طوری که چهره جدید روزنامه ایران و مطالب آن در کنار موفقیت در پیشرفت اقتصادی مؤسسه، بارها از سوی دولتمردان مورد تقدیر قرار گرفت. عبدالرسول وصال چهره نام‌آشنای مدیریت رسانه است. کسی که طی ۴ سال مدیریت در مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران، کارهای ماندگاری برای بالا بردن اعتبار نام این روزنامه و مؤسسه انجام داد. مدیر دوران اصلاحات در روزنامه منتسب به دولت، روزهای پرفراز و نشیبی را در این مؤسسه پشت سر گذاشت؛ روزهایی که به گفته خودش رضایت همکاران مؤسسه و دولتمردان از این روزنامه، بهترین توشه‌ای بود که او با خودش از اینجا برد. حالا چند سالی است که به دنبال علاقه و کاری که همیشه دوست داشت، رفته است. مزرعه‌ای در چهار باغ استان البرز و پرورش اسب. جایی که به قول عبدالرسول وصال با همان جدیت ۲۰ سال قبل کار را به پیش می‌برد و اسب‌های پرشی پرورش می‌دهد. در روزهای منتهی به سی‌امین سالگرد انتشار روزنامه ایران، میزبان این مدیر کهنه‌کار بودیم تا از روزهای طلایی روزنامه ایران و فراز و فرودهای آن روزها و تلاش‌هایی که برای اعتلای مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران انجام داد، بگویید.

۲۰ بهمن‌ماه ۱۴۰۳

ایران